



نهله غروی نائینی

مقدمه

پژوهش در احوال و زندگانی زنان، گویای این حقیقت است که همواره تعداد قابل توجهی از اینان در عرصه های علوم و فنون درخشیده اند. حضور زنان در فعالیت های علمی، علی رغم محدودیتها و فشارها و مهجور داشتن ها، امر غیر قابل انکاری است. زنان مسلمان، از صدر اسلام در فراگیری قرآن کریم و آموزش آن، نقل حدیث و سنت رسول الله ﷺ و معصومان علیهم السلام، تعلیم و درمان و سایر دانش های ضروری در کنار مسؤلیت خانواده، نقش برجسته داشته اند. یکی از بزرگ زنان تاریخ معاصر، حاجیه مجتهده امین، بانویی عالم، فاضل، فقیه، محدث، شاعر، حکیم و مفسر بوده است که برکات و خیرات وجودی اش یعنی تألیفات و آثار مکتوب وی و نیز تأسیس مکتب دینی فاطمه، دبیرستان دخترانه امین و سایر صدقات جاریه اش همچنان پابرجاست.

زندگانی مفسر

یکی از مفسران و قرآن پژوهان سده اخیر، مرحومه مجتهدة نصرت امین، دختر حاج

سید علی امین التجار بن سید حسن بن محمد بن معصوم حسینی اصفهانی است و مادرش دختر حاج مهدی ملقب به جناب است که در سال ۱۳۰۸ قمری، حدود ۱۲۶۵ شمسی در اصفهان متولد شد، همسرش حاج میرزا، ملقب به حاج معین التجار (پسر عمویش) بود. در دوران حیاتش چند فرزندش از دست رفتند و یک فرزند صالح از ایشان به نام حاج سید محمد علی معینی امین بر جای مانده است.

مرحومه امین، روزگار کودکی را به تحصیل و تفکر پرداخت و اکثر علوم را نزد علامه فقیه میر سید علی اصفهانی نجف آبادی و شیخ مظاهری اصفهانی در منزل خویش پشت پرده فرا گرفت. کلیه دروس نحو، صرف، بلاغت، تفسیر، علوم حدیث، فقه و اصول و فلسفه را به خوبی آموخت و در آنها مهارت یافت، (علمی که برای یک مفسر ضروریست). به حدی که به درجه اجتهاد رسید و قادر به استنباط احکام شرعی شد. این بانوی عارف ربانی چنان به مبدا اقیانوس رحمت الهی وابسته بود که نعمات ملکوتی، تهلیل گلهای و ریاحین را به گوش جان می شنید؛ و تا سن چهل سالگی دوران تهذیب و ریاضت و تحصیل را طی کرد و پس از آن مراحل ترقی و کمال را پیمود. نهایتاً در خرداد ۱۳۶۲ شمسی، برابر رمضان ۱۴۰۳ قمری پس از قریب ۹۵ سال عمر پر برکت و با عزت، به جوار رحمت حق شتافت.

ویژگی های اخلاقی و علمی

پیچایش

مجتهد امین از علمای شیعه زمان خویش اجازه روایت کسب کرد، از جمله آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله شیخ ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی، آیت الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی و آیت الله مرعشی نجفی که برخی از ایشان همچون آیت الله مرعشی نجفی، از وی اجازه روایت گرفتند.^۱

کمالات نفسانی و کرامات مختلفی که خداوند سبحان نصیب این علویه فرموده از مقدمه کتاب النفعات الرحمانیه اش آشکار است، ایشان در مقدمه چنین گفته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم.

الحمد لله الذي اضاء قلب اوليائه بنوره، فانكشف لهم به اسرار الوجود، و رشح عليهم من بحر المعارف والعلوم، و ... و وجدت في نفسي و روعي في بعض الايام والساعات اشراقات غيبية، ليست مسبوقه بامور كسبيه فكرية، تفتنت انها هي النفعات التي اشير اليها في الحديث وهي من رحمة ربي، فأحببت ...»

به نام خداوند بخشنده مهربان. سپاس خداوندی را که قلوب اولیائش را به نور خود منور کرد و به مدد آن نور، اسرار وجود را بر ایشان هویدا نمود و از دریای معارف و علوم بر آنان باراند، و ... در نفس خویش و ضمیرم یکی از روزها در لحظاتی، انواری غیبی یافتم که از نوع دریافت های کسبی و فکری نبود. دریافتم که این انوار از آن نفعاتی است که در حدیث

به آنها اشاره شده و در حقیقت از رحمت پروردگارم است. دوست داشتم که بعضی از آنها را که در ذهنم باقی مانده تدوین کنم تا فراموش نشود و برایم تذکری باشد تا شاید هنگامی که به یاد می آورم، تجدید شکر کنم.

از آنجا که بانو امین عارف به معنای واقعی است و خویش را از بند شهوات دنیایی رها ساخته، همواره توجهات عرفانی، خلوص و پاکی در کلمات و گفتارش در باره قرب الهی آشکار می باشد. وی در باره آغاز سخن با خدا و قرائت سوره حمد و تفسیر آن، و از شیطان رجیم به خداوند پناه بردن می گوید:

«کسی که خواهد مهیا گردد برای مناجات با قاضی الحاجات و در مقام ستایش و اظهار بندگی در حضور سلطان السلاطین برآید، وظیفه وی این است که ظاهر و باطن خود را از قذارات و کثافات، صوری و معنوی، جسمی و روحی، پاک گرداند و گرنه هرگز لایق حضور در پیشگاه آن ذات پاک قدوس لایزال نباشد.

دلی که آلوده به کثافات صوری و معنوی است چگونه لایق پیشگاه قرب است و چطور وی را قدرت است که از راه خلوص با حیب خود راز و نیاز کند، و چون بالاترین قذارات آن قذارات معنوی است که در اثر وسوسه و دسیسه های شیطانی در قلب پدید می گردد، و در دل بشر نفوذ می نماید و قلب و جان را آلوده می گرداند. این است که اول بایستی به حق تعالی پناه برد از شر شیطان لعین و از او استعانت و امان طلبد و قلب و دل را از آلودگی هایی که در اثر خواطر شیطانی که در قلب نفوذ کرده پاک کند، سپس شروع کند در حمد و ثنای آن ذات فرد سرمدی.»

آثار

- این بانوی عالمه، صاحب آثار گرانمایه فارسی و عربی است که عبارت اند از:
- تفسیر قرآن مجید، به زبان فارسی به نام مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید در ۱۵ مجلد؛
 - نفحات الرحمانیه، به زبان عربی و مشتمل بر ۹۶ عنوان؛
 - سیر و سلوک در روش اولیا و طریق سیر سعدا؛
 - معاد یا آخرین سیر بشر؛
 - روش خوشبخت، توصیه به خواهران دینی و ایمانی؛
 - اربعین هاشمیه (چهل حدیث)؛
 - جامع الشتات، به عربی، شامل مسایل و احکام؛
 - اخلاق؛
 - مخزن اللثالی، در فضایل علی (علیه السلام).

تفسیر مخزن العرفان

تفسیر فارسی مخزن العرفان که بیان همه سوره های قرآن کریم را در بر دارد، در ۱۵ مجلد ترتیب یافته است. مجتهد امین در باره تفسیرش می گوید: «به قلم کم ترین خادمه بی از خدام آل رسول الله ﷺ و کوچک ترین ذره از ذراری بتول ﷺ و أمة من اماء الله تعالی.»

انگیزه تألیف

نویسنده علت تألیف این تفسیر را چنین بیان می کند:

«مدت زمانی بود که گاه و بیگاه در فکر بودم که تفسیر مختصری بنویسم و از کلمات آل عصمت ﷺ اقتباس نموده و از بیانات مفسرین خوشه چینی نمایم که شاید به این واسطه از مفسرین و از متدبرین در قرآن محسوب گردم، لکن متأسفانه موانعی جلو راه خود می دیدم که طی این طریق پر خطر را متعذر، بلکه متعسر می پنداشتم. از طرفی ضعف نفس و فرومایگی سد راه می شد؛ از طرفی تهدید و منع شارع از تفسیر به رأی جلوگیری بود و جرأت وارد شدن در این وادی هولناک را نمی کردم لکن از طرف دیگر حس طلب نمی گذاشت، راحت باشم. مدتی بین خوف و رجا بودم، گاهی حس طلب امر می نمود، گاهی خوف و جبن غالب می گشت، و سأس کلی دامن گیرم می شد. لکن پس از آنکه مایوس شدم که بتوانم تفسیر کاملی بنویسم نظر به اینکه (المیسور لا یسقط بالمعسور) بنا گذاردم اقتباس نمایم از مشکلات انوار ولایت و اقتصار نمایم به ترجمه تحت اللفظی آیات و توضیح دهم بعضی آیات محکمات را و پیرامون متشابهات نگردم.»^۲

قرآن از دیدگاه نویسنده

مفسر، قرآن را چنین توصیف می کند:

«باید دانست که قرآن مجید کلام بزرگی است که از معدن الوهیت نازل گردیده و البته مطالب مندرجه در آن از حیطة ذهن کوچک بشر خارج است و مخصوص به کسی است که مخاطب به آن گردیده و پس از آن محمول به خلفا و جانشینان آن بزرگوار است و مثل گفتگوها و مکاتبات بشر با یکدیگر نیست. قرآن، معجزه موجز فصیح و بلیغ است. اختصار قرآن از بلاغت و اعجاز آن است؛ اگر احکام و جزئیات، مقدمات عبادات همه و همه را داشت از حد فصاحت و بلاغت و اعجاز خارج می شد و یکی از کتاب های مفصل معمولی به شمار می رفت.

امام صادق ﷺ فرمود: خداوند قرآن را تبیان هر چیز قرار داده و چیزی فرو نگذاشته که مردم محتاج به آن باشند مگر آن که در قرآن نازل شده و پیامبر ﷺ بیان فرموده است. قرآن دوی هر دردی و درمان هر مرضی است، قرآن حبل الله متین است. آن ریسمان

محکمی که از حق تعالی به سوی خلق کشیده شده است. به وسیله تعلیمات قرآن صمیمیت و قومیت بین افراد بیشتر تحقق می‌پذیرد. به وسیله تعلیمات قرآن امور آشفته زندگی بشر جمع می‌گردد، هر کس وظیفه اجتماعات و تکالیف زندگی خود را می‌شناسد. قرآن جامع تمام قوانین اجتماعی و فردی بشر است. وظایف، عبادات، طریق تهذیب اخلاق، قانون معاملات و معاشرت، حقوق اقتصادی، جنایی و جزایی و قضایی هر یک را به جای خود و روی قانون عدل به نیکوترین وجهی تأسیس کرده است. هر که این کتاب آسمانی را پیش روی خود دارد و برنامه زندگی خویش را روی میزان و قوانین و دستورات آن اجرا کند، هیچ وقت قدمش از صراط انسانیت نلغزد و حقیقت عبودیت و روح صمیمیت و علاقه ملیت در وی ایجاد گردد و فضیلت و سعادت نشأتین نصیب او می‌شود.

اسرار و رموز قرآن منحصر به کسی است که مخاطب قرآن است (یعنی پیامبر ﷺ) و بعد از آن به کسانی محول می‌شود که خلفا و جانشینان وی هستند و راسخان در علم می‌باشند، همان گونه که امام صادق (ع) فرمود: «ما یم راسخون در علم» رسول اکرم ﷺ مسلمانان را از تفسیر به رأی نهی فرمود و از طرفی قرآن کریم امر به تدبیر و تفکر در آیات کرده تا فهم معنای آن میسر گردد. بدیهی است که تفکر و تدبیر در قرآن همان فهم معانی موجود در آن است که با تفکر در قرآن بعضی از اسرار و رموز آن کشف می‌گردد و فهم معنای لفظ، غیر از تفسیر به رأی است.»

مفسر گرامی مخزن العرفان پس از یک بحث طولانی در باره تدبیر و تفسیر به رأی می‌گوید:

«در فهم ناسخ و منسوخ و تمییز بین محکم و متشابه و نیز در متشابهات و آنچه از آیات معنی آن ظاهر و جلی نیست بایستی به ابواب علم پیغمبر ﷺ تمسک جویم و از مشکات نور ائمه استضاءه و استفاده کنیم و به فهم ناقص خود متکی نباشیم که در خلاف اقیم.»

مرحومه امین در مقدمه تفسیرش به فضیلت خواندن قرآن و تدبیر در آن می‌پردازد و اقوال مختلفی از رسول خدا ﷺ و امام سجاد (ع) و سایر ائمه (ع) در باره فضیلت خواندن (قرائت) قرآن ذکر می‌کند. به عنوان مثال می‌نویسد:

در منهج از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم ﷺ روایت شده: قرآن خواندن، احسان خداوند است که به آن تمامی افراد بشر را دعوت فرموده، پس از خوان نعمت او بهره‌مند شوید و هر چند توانید فایده آن را بگیرید، زیرا قرآن ریسمان محکم است، هر کس دست (چنگ) در آن زند هرگز از رحمت واسع حق تعالی محروم نگردد ...

حدیث ظهور قرآن در قیامت به بهترین وجه را، ذکر می‌کند و می‌گوید که: اخبار در باره مجسم شدن قرآن در قیامت و شفاعت کردن آن زیاد است و گمان مکن که اخبار و احادیثی که از طرف معصومین (ع) رسیده که قرآن در قبر به صورت نیکو انیس مؤمن می‌گردد و در

آخرت مجسم می شود و تکلم می کند و شفاعت می نماید، ضرب المثل باشد و تأویل کنی و حمل بر غیر ظاهرش نمایی.

تفسیر اخلاقی و تربیتی

روح حاکم و جنبه قوی در تفسیر مخزن العرفان بُعد اخلاقی، درس سیر و سلوک و تربیت نفوس است که رنگ اخلاقی و تربیتی، این تفسیر را از دیگر زمینه های آن قوی تر ساخته است. اهتمام مفسر در تربیت نفس انسانی و دور کردن آن از ظواهر فریبنده و مادیات و نزدیک کردن به ذات حق تعالی است، در عین اینکه وظایف دنیوی او را متذکر می شود. در بیان مقام الهی و منزلت شخص، نزد پروردگار می گوید:

«اهل معرفت گویند: هر کس خود را به صفت عبودیت شناسد پروردگار خود را به صفت ربوبیت شناسد و هر کس خدا را به عظمت و بزرگواری و سلطنت شناسد خود را به فقر و ذلت و مسکنت شناسد. از یکی از عرفا پرسیدند خدا را به چه چیز شناختی؟ گفت به این شناختم که هر وقت قصد معصیتی می نمایم عظمت و جلال خداوندی را به یاد می آورم و از معصیت خود داری می کنم.

آری اگر ذره ای از نور معرفت در قلبی بتابد اثر آن در ظاهر پدید می گردد و پدید شدن آثار، نتیجه ذوق و حال است نه حاصل علم و تصور.

اگر خواهی بدانی که نسبت به معرفت حایز چه مقامی گشته ای ...

اگر در قلب خود محبت حق یافتی بدان ...

نیز اگر در خود صفت رضا دیدی بدان که ...

زیرا جداییت حق است که بنده را به سوی خود می کشاند. اگر مورد الطاف الهی نبودی چنین توفیقی نصیب تو نمی گردید.»

آری مفسر، خود این مراحل را درك کرده که به این سادگی بیان می کند. در باره وظایف دنیوی انسان، وظایف زناشویی را مطرح می کند؛ حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده که مضمونش چنین است: بهترین مردهای امت من کسی است که نسبت به زن خود بهتر باشد و بهترین زنان امت من زنی است که نسبت به شوهر خود بهتر باشد. بهترین زنان امت من زنی است که در آنچه معصیت نباشد رضایت شوهر را به دست آورد و بهترین مردان امت من مردی است که با اهلش با لطف و مدارا زندگی کند، مانند مادر نسبت به اولاد و چنین مردی در هر شبانه روزی اجر شهید که در راه خدا کشته شده دارد. مؤلف پس از ذکر برخی اقوال در این باره، خود می گوید:

«زن و مرد اگر چه در انسانیت شریک اند لکن شالوده خلقت زن و مرد از قوای دماغی،

جسمی، احساسات طبیعی و مزاجی تفاوت دارد.»

سپس گفتار برخی از دانشمندان را می آورد^۳ و پس از آن گفتار صاحب تفسیر المیزان را در این خصوص می آورد بدین مضمون: خلاصه آن که زن و مرد در غالب احکام عبادات و حقوق اجتماعی مساوی می باشند و همان طوری که مرد مستقل در امور اجتماعی است زن نیز استقلال دارد و در غالب امور اجتماعی حق مداخله دارد مثل کسب، عمل، ارث، تجارت، زراعت، تعلیم، تعلم، اخذ حقوق، دفاع در برابر دشمن و غیر اینها از مواردی که خلاف اقتضای طبعش نباشد.

روش مفسر

مفسر مخزن العرفان، اغلب در آغاز سوره به بیان تعداد آیات، مکی یا مدنی بودن سوره و فضایل قرائت سوره پرداخته است، سپس آیه را ترجمه کرده و در توضیح آیات، به بیان و شرح لغات و کلمات آیه از قبیل نماز، انفاق، رزق، تقوی، کفر، علم و غیره می پردازد^۴، در بیان لغت ها بیشتر از گفتار مفسران استفاده برده است؛ در اوایل تفسیر، آیات را دسته دسته در تعداد کم (۲ الی ۳) آیه ذکر کرده، سپس به توضیح آنها همت گماشته، در مواردی که توضیح و تفسیر آیات کم بوده، آیات بیشتری را یکجا با هم آورده است. در این تفسیر، از آیات دیگر قرآن مجید و گاهی از گفتار مفسران دیگر خصوصاً طنطاوی کمک گرفته است. در مواردی از قبیل هدایت و اختصاص آن به متقین^۵ شبهات و سؤالاتی را مطرح و سپس پاسخ می گوید.

با اینکه در سراسر تفسیر چهره مفسر به عنوان یک عارف واقعی جلوه گر است لکن آیات و احادیث را به روشی باطنی و تأویلات عرفانی بیان نمی کند.

علوم قرآنی

حاجیه امین در ضمن تفسیر آیات، به مباحث علوم قرآنی از قبیل اعجاز^۶، حروف مقطعه^۷، محکم و متشابه^۸ و به ندرت به شأن نزول پرداخته است. در باره اعجاز در آیات، تحدی را بیان و اعجاز قرآن را از جنبه های مختلف بررسی می کند^۹. با آن که در آغاز سوره بقره در باره حروف مقطعه به تفصیل صحبت کرده، در آغاز سوره دارای حروف مقطعه چون آل عمران، یونس، هود، یوسف، قصص، نمل و ... نیز مطالبی در حروف مقطعه متذکر شده است. در تفسیر متشابهات می گوید: برای فهم آنها باید به گفتار معصومین علیهم السلام رجوع کرد و چیزی از رأی خود نگفت و می نویسد:

« خود را کوچک تر از آن می دانم که از دانشمندان عالی انتقاد کنم و به گفتارشان خرده گیری نمایم. روی سخن به دیگران است، آن هایی که چندان بصیرتی در فهم آیات قرآن ندارند، از این فرمایشات (متشابهات) ممکن است خود را بیازند و از حد خود تجاوز کنند و در

تفسیر و تأویل کلام الله به فریب نفس گرفتار گردند و گمان کنند به محض فرا گرفتن اندازه‌یی از قواعد عربی می‌توانند بدون تمسک به اخبار آل عصمت علیهم‌السلام آیات متشابهات را به رأی و سلیقه خود تفسیر و تأویل کنند و مبتلا به تفسیر به رأی منهی عنه گردند.

توجه به مسایل کلامی

مفسر در ضمن تفسیر، به مباحث کلامی می‌پردازد و در مباحثی از قبیل اضلال خداوند، عصمت انبیا، جبر و اختیار، نعمت الهی در تفسیر سوره حمد در بیان «انعمت علیهم» و ... مطالبی ایراد می‌کند. به عنوان مثال در بحث «لیفضل به کثیرا» بحثی در باره جبر و تفویض می‌کند و نظریه اشاعره و معتزله را باطل می‌شمارد و گفته معصوم را که فرمود: «امر بین الامرین» ذکر می‌کند و در ردّ هر مسلک دلیل می‌آورد^{۱۰} و به آیات قرآن و گفتار معصومان و استدلال عقلی تمسک جسته، جهت اثبات و بیان اختیار انسان در طول اختیار الهی و توضیح بیان امر بین الامرین گفتاری مفصل دارد. همت ایشان در بیان نظرات و دیدگاه‌های شیعه مشهود است.

در ذکر صفات و اسمای الهی، مفسر به ارتباط عارف با این اسما یا صفات می‌پردازد و در پایان گفتار، در باره حمد و ثنا و شکر و صفات خداوند در اوّل سوره حمد می‌گوید:

«اول سوره بیان حال عارف است از ذکر و فکر و تأمل در اسما و اوصاف جلال و جمال آن فرد بی‌همتا و تفکر و تدبّر در لطایف صنع و آثار خلقت و اقتدار او تا آن که سرانجام منتهی گردد به جایی که خوص می‌نماید در لجه و وصول او یعنی واصل می‌گردد به رحمت حق تعالی و از اهل مشاهده و عیان می‌گردد و گویا او را عیاناً می‌بیند و شفاهاً با او سخن می‌گوید.»
سپس گفتار مادیین را در باره روح و روان ذکر و مفصلاً پاسخ می‌گوید^{۱۱}.

مباحث فلسفی

گاهی از نظرات فلاسفه در تفسیر و بیان خود افزوده، مثلاً در بیان حروف تهجی از گفتار فلاسفه اسلامی چون صدر المتألهین و بوعلی سینا و در توجیه آیه نور از کلام ملاصدرا استفاده کرده است^{۱۲}؛ در بیان اوصاف آتش جهنم، خلاصه کلام صدر المتألهین را ترجمه می‌کند که امتیاز جهنم از سایر آتش‌ها به چند چیز است:

۱. آن آتش اخروی است نه دنیوی و به این حواس درک نمی‌شود، مگر وقتی که از این نشأ تحول نماید به نشأ قیامت، آن وقت می‌توان آتش را «بعین الیقین» مشاهده نمود چنانچه الآن علما مشاهده می‌کنند آن آتش را «بعلم الیقین» و شاهد بر این مطلب قول حق تعالی است در سوره تکوین، آیه ۹.

۲. آن آتشی است که در کمون اشیاء واقع است و از باطن به ظاهر سرایت می‌نماید...؟

۳. آن آتشی است که از سیئات و متابعت شهوات تولید می گردد نه از چوب و زغال و غیر آن... ۴

۴. آن آتشی است که در قلب نفوذ می نماید... ۴

۵. آتش دنیا تقریباً یک نوع است، چندان اختلافی بین اقسام آن نیست، لکن آتش جهنم هفت طبقه دارد... ۱۳

بیان نکات نحوی

مفسر گرامی، به لغت و اشتقاق و غیر آن هم پرداخته اما نه به دقت تفاسیری چون مجمع البیان؛ در توضیح آیات، بیان و شرح لغات و کلماتی مانند «اصر» در آیه: «وینا ولا تحمل علینا اصراً کما حملته...» (بقره، ۲۰/۲۸۶) را آورده است و یا در باره تام یا ناقص بودن فعل «کان» بحث کرده است. ۱۴

بیان احکام فقهی

از آنجا که بخش عمده ای از قرآن کریم را آیات احکام تشکیل می دهد، اکثر نگارندگان تفاسیر به این مباحث هم پرداخته اند، مفسر گرانمایه مخزن العرفان نیز آیات فقهی و عبادی را تا حد نیاز شرح داده و در باره وظایف انسان ها گفتاری را آورده و در صورت لزوم حدیثی را نقل و شرح کرده است، نمونه گفتارش در آیات احکام را در آیات ارث و صوم (آیه ۱۸۰ و ۱۸۲ سوره بقره) مشاهده می کنیم.

مفسر می نویسد: ظاهراً از این جمله «کتب علیکم» حکم لزومی برمی آید و دلالت دارد بر وجوب وصیت که هر کسی هنگام مردنش اگر مالی دارد بایستی وصیت کند و برای پدر و مادر و نزدیکان، برای هر یک سهمی از مال خود معین نماید، خصوصاً به قرینه «حقاً علی المتقین» که در آخر آیه ذکر شده، لکن نظر به آیاتی که راجع به ارث رسیده و ورثه معین شده، جمع بین آیات این طور می شود که نسبت به خویشاوندان حکم وجوبی برداشته می شود، لکن استحباب آن به حال خود باقی می ماند.

مفسر به گفتار خود ادامه می دهد و نتیجه می گیرد که لازمه آدم متقی این است که هنگام مردنش وصیت نماید برای خویشاوندان خود و آنان را از مال خود محروم ننماید ولو اینکه برای او واجب نیست. سپس به اخبار در باره فضیلت وصیت می پردازد و بعد از آن حکم بقیه آیه را گزارش می کند. ۱۵

بهره گیری از تفاسیر

مجتهده امین در تفسیر خود از تفاسیر شیعه و سنی بهره برده و کلام آنها را ذکر کرده

است از قبیل:

تفسیر قرآن حکیم (صدر المتألهین)، مجمع البیان (طبرسی)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی)، تفسیر عیاشی، کشف الاسرار (میبدی)، منهج الصادقین (مولا فتح الله کاشانی)، المیزان (علامه طباطبائی)، البرهان (بحرانی)، جواهر (طنطاوی)، روح البیان (آلوسی)، انوار التنزیل و اسرار التأویل (بیضاوی) و درالمثور (سیوطی). در لابلائی گفتارش از مفسران صحابه و تابعین چون ابن عباس، ابن مسعود و عکرمه نیز بهره جسته است.

در برخی موارد، مفسر بدون ذکر نام عالم یا مفسری با گفتن «بعضی از علمای تفسیر یا برخی از عرفا یا یکی از عرفا گفته اند»^{۱۶}، مطلبی را بیان می کند. بر ما معلوم نیست که این افراد چه کسانی هستند؛ و یا شاید از تراوشات عقلی و مغزی و روحی خود ایشان باشد، لکن این بانوی بزرگ ترجیح داده که مطلب را این گونه ادا کند و نخواسته اسم خویش را در ردیف نام مفسران و عرفای بزرگ قرار دهد.

بهره گیری از روایات

مفسر در بیان برخی مطالب از احادیث استفاده کرده و از راویان خاص و عام، حدیث نقل کرده و بیشتر از کتب حدیثی مانند: کافی، بحار الانوار و عیون اخبار الرضا روایت ذکر کرده است.

پیچ

۱. محمد الحسون و ام علی مشکور، اعلام النساء المؤمنات / ۲۳۳ - ۲۴۸؛ الاجازة الكبيرة، آیت الله مرعشی نجفی ۲۴۵.
۲. مقدمه مخزن العرفان، ۲/۱.
۳. همان / ۳۲۴.
۴. مخزن العرفان، ۱ / در تفسیر سوره بقره.
۵. همان، ۱ / ۷۹، ۷۸.
۶. همان / ۱۶۸.
۷. همان، در آغاز تفسیر سوره بقره.
۸. همان، ۳ / ۱۶۸.
۹. همان، ۱ / ۱۶۸ - ۱۸۰.
۱۰. همان / ۲۰۶.
۱۱. همان، ۲ / ۱۳۴ - ۱۴۱.
۱۲. همان، ۱ / ۷۱ - ۷۴ و ۹ / ۱۲۱.
۱۳. همان / ۱۸۰ - ۱۸۲.
۱۴. همان، ۲ / ۴۴۶.
۱۵. همان، ۲ / ۱۹۸ - ۲۱۰.
۱۶. ر.ک: همان، ۲ / ۱۹۸.